

ویژه نامه

اطلاب مستفاد

بهمن ماه ۱۳۹۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره دهم



۲۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گروه ها و جریان های سیاسی و نقش آنان در انقلاب

روحانیت عضو بودند و آیت الله رفسنجانی و رجایی نیز با این گروه همکاری می کردند که وظیفه این شورا برقراری ارتباط با امام خمینی (ره) بود. رساندن پیام ها و اطلاعیه های امام به مردم، یکی از وظایف اصلی این جمعیت بود که تا پیروزی نهضت این وظیفه مهم ادامه داشت.

اعضای کمیته نظامی نیز در سال ۴۳، پس از اعدام انقلابی منصور، دستگیر شدند و چهار تن از آنان اعدام و بقیه زندانی شدند.

حزب ملل اسلامی که این گروه در اوایل سال ۱۳۴۰ با تکیه بر چهار اصل تأکید بر اسلام، استناد به قرآن و عقل، تأکید بر همبستگی ملل و سرزمین های اسلامی و اعتقاد به انقلاب پدید آمد و سید کاظم بجنوردی و محمد جواد حجتی کرمانی از بنیانگذاران آن شمرده می شوند.

این گروه در نظر داشت مردم را به مبارزه مسلحانه فراخواند و برای تأمین اسلحه، با نیروهای انقلابی خارج از کشور در ارتباط بود که در پی قیام ۱۵ خرداد سال ۴۲، گرایش های قهر آمیز در میان اعضای این گروه فزونی یافت و عضو گیری در سطحی گسترده آغاز شد. میانگین سن اعضای حزب ۲۰ سال بود و بیش تر آنان سابقه سیاسی و نظامی نداشتند.

در مهر سال ۱۳۴۴، حدود ۶۹ تن از اعضای این گروه از جمله کاظم بجنوردی، عربشاهی، مظاهری، سرحدی زاده، و آرامی دستگیر شدند که بجنوردی به اعدام محکوم شد، ولی بعدها، محکومیت وی به حبس ابد تغییر یافت و در سال های ۴۸ و ۴۹، گروهی از آزاد شدگان این حزب به جمعی دیگر از مبارزان پیوستند و حزب الله را بنیان نهادند که ویژگی آن گرایش های اسلامی و مبارزه مسلحانه بود.

نهضت آزادی، در سال ۱۳۴۰، گروهی با نام نهضت آزادی ایران از جبهه ملی جدا شدند که یکی از آموزه های اصلی آنان پی جویی اصول و معادل های دموکراسی غرب در متون اسلامی بود. آیت الله طالقانی، مهندس بازرگان و ید الله سبحانی از بنیان گذاران نهضت آزادی بودند که در نخستین گام در پی جلب نظر دکتر محمد مصدق که در احمد آباد سکونت داشت، بر آمدند، اهداف خود را برای وی شرح دادند و پاسخ نسبتاً مناسبی دریافت کردند.

نهضت آزادی برای ایجاد تغییرات، اساساً معتقد به روش های اصلاحی و رفرم بود و در جریان تصویب نامه انجمن های ایالتی و ولایتی و نیز قیام ۱۵ خرداد ۴۲ در مسیر اعتراض و مخالفت با رژیم قرار گرفت که سرانجام موضع گیری نهضت علیه رژیم شاه به خصوص حملات آن به فرزندم انقلاب سفید، به دستگیری سران نهضت منجر شد. جریان دادرسی آنان در سال ۱۳۴۳ کامل گردید و آنان به زندان محکوم شدند.

فریبا حیدری



افراد مرتبط با این نهضت را بر آن داشت تا در سال ۱۳۴۴ با تشکیل گروهی به نام «سازمان مجاهدین خلق» به مبارزه مسلحانه روی آورند. اطلاعات پایه گذاران سازمان از مسائل اسلامی بسیار سطحی بود و ایدئولوژی، تشکیلات، جزوه های آموزشی و خط مشی مبارزاتی آنان آمیزه ای از نگرش ها و شیوه های مارکسیسم و مائوئیسم با ظواهری از مسائل اسلامی و با گرایش های ناسیونالیستی بود که سر انجام در سال ۱۳۵۴ سازمان اعلام کرد که از نظرات اسلامی پیشین خود دست برداشته است و اینکه نه تنها یک سازمان مذهبی نیست بلکه ضد مذهب هم می باشد. آن ها در یک تصفیه حساب خونین عناصری را که بر وجهه دینی سازمان تکیه می کردند از سر راه برداشته و با انتشار اعلامیه ای تغییر مواضع ایدئولوژیک خود را اعلام کرده و آشکارا به مارکسیسم گرویدند و ایدئولوژی جدید سازمان را مارکسیستی - لنینیستی معرفی کردند. این سازمان نیز با دستگیری اعضایش در سال ۵۴ متلاشی شد.

مبارزات سیاسی و نظامی شخصیت ها و گروه های مذهبی



جمعیت مؤتلفه اسلامی، گروه های کوچکی که اندیشه سرنگونی رژیم سلطنتی و برقراری حکومت اسلامی در سر می پروراندند که با راهنمایی امام خمینی (ره) متحد شدند و جمعیت مؤتلفه اسلامی را پدید آوردند. این جمعیت، پس از تشکیل جلسات مخفی، با سه رکن کمیته مرکزی، شورای روحانی و کمیته نظامی فعالیت خود را آغاز کرد و بیش تر اعضای کمیته مرکزی، افراد با سابقه فدائیان اسلام بودند و چهره های مهمی از جمله محمد جواد باهنر، مهدی عراقی، سید علی اندرزگو، صادق امانی، صفر هرنیدی، محمد بخارایی، نیک نژاد، هاشم امانی و عسگر اولادی در شمار اعضای این کمیته جای داشتند.

آیت الله بهشتی، مطهری، انوری و مولایی در شورای

✓ پس از کودتای ۲۸ مرداد که منجر به بازگشت محمدرضا شاه پهلوی به راس قدرت شد، فضای سیاسی ایران دچار رخوت و سکوت شد، ولی بعداً با اضافه شدن جریانات و گروه های مختلف به فضای اجتماعی و سیاسی ایران، مبارزات سیاسی و مسلحانه آغاز شد. در جریان انقلاب مردمی سال ۵۷، این گروه ها و جریانات مختلف حضور داشتند و هر یک، تأثیرات مثبت و منفی بر انقلاب داشتند که ما در این مقاله به بررسی مختصر این گروه ها و جریانات خواهیم پرداخت.

حزب جبهه ملی، پس از کودتا ۲۸ مرداد سال ۴۲، بقایای جبهه ملی در داخل کشور مخفی شد و بعداً در سال ۵۶ بود که بار دیگر پدیدار گشت و اعلام نمود که تشکیلات جبهه را تجدید سازمان خواهد کرد. جبهه ملی نه یک تشکیلات حزبی قوی داشت و نه یک برنامه منسجم برای انقلاب، به علاوه سکوت طولانی مدت بر وجهه آن ضربه زد و بیگانگی آن با ایدئولوژی انقلابی - اسلامی در زمان وقوع انقلاب، آن را به حاشیه راند.

حزب توده از دیگر احزاب آن روزهای ایران بود که از تشکیلاتی قوی برخوردار بود ولی به دلایلی هم چون رخنه ساواک در تشکیلات آن، بیگانگی با فرهنگ و اندیشه مذهبی مردم ایران و وابستگی به اتحاد شوروی که از رفتارهای مختلف حزب مانند طرفداری از تقاضای شوروی در مورد نفت شمال در سال ۱۳۲۳، چشم پوشی از فروش اسلحه شوروی به شاه در سال ۱۳۴۶، همکاری نکردن با دولت ملی در سال ۱۳۳۱ و مانند آن آشکار بود، از صحنه کنار رفت.

مبارزات مسلحانه گروه های چپ مبارزات مسلحانه از اواسط دهه ۱۳۴۰ آغاز شد. از آن جا که شکست مبارزات سیاسی سال های ۱۳۲۵، ۱۳۳۲ و ۱۳۴۲ به شیوه های مسالمت آمیز مبارزه نسبت داده شد، ادامه مبارزه در قالب روش های دیگر به ویژه نظریه های «جنگ های پارتیزانی» مطرح شد. این شیوه مبارزه از اواخر این دهه در ویتنام، چین، کوبا و فلسطین رواج یافته و با موفقیت هایی نیز همراه بود. از این رو آثار مائوتسه تنگ، هوشی مینه، رژی دبره و چه گوارا مورد استفاده ایدئولوژیک پیدا کرد. از اواخر دهه ۱۳۴۰ تعداد این گروه ها به ده گروه می رسید که از میان آن ها دو گروه توان مبارزه مسلحانه علیه رژیم را داشتند از جمله:

سازمان چریک های فدائی خلق که این سازمان به دنبال انشعاب برخی از هواداران و اعضای حزب توده در سال ۱۳۴۲ و با ایدئولوژی مارکسیستی به وجود آمد. حمله به پاسگاه سیاهکل مهم ترین عملیات آن بود. این گروه بعد از عملیات، شناسایی و اعضای به وسیله مردم و ژاندارمری دستگیر شدند.

سازمان مجاهدین خلق ایران نیز دومین گروهی بودند که توان مبارزات مسلحانه را داشتند که فعالیت های تبلیغاتی و سیاسی محدود نهضت آزادی تعدادی از

شریعتی و انقلاب

شریعتی توانست آرمان های عدالت خواهانه تشیع را به سلاحی ایدئولوژیک برای مبارزه با رژیم شاه تبدیل کند و گروه های مختلف مردم مسلمان ایران که هر کدام به دلیلی از سیاست های آن رژیم ناراضی بودند به این ایدئولوژی پیوستند. یکی از علت پیروزی انقلاب در بهمن ۵۷ در فراهم



بودن زمینه های ایدئولوژیک بود که بخشی از آن مدیون تلاش های فکری دکتر شریعتی است. در پایان باید تاکید کرد، بدون شک و با دیدی جامع و تاکید به وجود نظرات مخالف و موافق در مورد دکتر شریعتی این چهره ی تاثیر گذار در انقلاب دارای اشتباهاتی نیز بوده اما خدمات و آثار به جای مانده از وی گواه روشننگری و تاثیر گذاری در انقلاب را دارد.

پژمان عسگری

شریعتی نابودی اخلاقی را در انسان غربی و مادی گرا مشاهده کرد و خروج انسان از حیطه معنویت را مشکل اصلی دانست. نظریه های وی ناظر به بازگرداندن انسان به دامن اخلاق بود اما نه اخلاقی که ارسطو فلاسفه قدیم از آن سخن می گفتند، بلکه اخلاقی که پایه الهی دارد. از نظر دکتر شریعتی غرب زدگی یک بیماری واگیردار بود که جامعه را به خودبستگی دچار کرده بود و امروزه نیز دچار کرده است و تنها راه درمان این بیماری مسری را بازگشت به خویشتن دانست.

خویشتن او دارای دو پاره ملی و دینی بود اما از آن جا که گذشته ملی (پیش از اسلام) با سلطنت گره خورده بود و از سویی سلطنت فاسد پهلوی یکی از عوامل اصلی رواج بیماری غرب زدگی بود وی خود ملی را رها کرد و به سراغ خود دینی رفت. دکتر شریعتی پرافتخارترین گذشته دینی را در دوران حکومت امام علی (ع) یافت که در آثار به جا مانده از ایشان نیز به این موضوع تاکید شده است و بازگشت به خویشتن در واقع احیای حکومت علوی بود، بازگویی حکومت امام علی (ع) و آرمان های ایشان زمینه ای برای ایجاد یک مدینه فاضله بود که در تحقق هر انقلابی برای جهت دادن به افکار عمومی ضروری است. حکومت امام علی (ع) در عدالت خلاصه می شود و گفتمان شریعتی هم تحقق عدالت اجتماعی بود و این همان چیزی بود که جامعه ایران دهه ۵۰ به آن نیاز داشت. دکتر

✓ در دهه ۴۰، ایران شاهد رشد دو جریان روشنفکری متفاوت و متضاد بود؛ طیف روشنفکران غرب گرا که پایگاهی در میان مردم نداشتند و طیف روشنفکران مخالف غرب زدگی که بیش تری در میان مردم پذیرفته شده بودند و آثارشان مطالعه می شد. پس از ۱۵ خرداد تشخیص بخش



عمده ای از روحانیت این بود که محمدرضا پهلوی مشروعیت حکومت بر جامعه شیعه را ندارد و امام خمینی (ره) به عنوان رهبری این جریان به سوی نظریه حکومت اسلامی متمایل شد. گروه روشنفکران مخالف غرب گرایی در جهت تأیید این ایدئولوژی جدید، از نظام فقه شیعه و حتی تاریخ تشیع، تفسیر جدیدی ارائه دادند که یکی از موفق ترین و نوین ترین آنها که توانایی همراه کردن جوانان را نیز داشت و در میان قشر دانشجوی آن زمان تاثیر گذار بود، دکتر علی شریعتی است.

وقایع ۲۱ بهمن ماه ۱۳۵۷

کلاتری های ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۶ و ۲۴ تهران و هم چنین کلاتری نارمک به دست مردم سقوط کردند.

مقاومت مردم در خیابان سپه:

تیپ زرهی قزوین که برای تقویت نیروهای دفاعی حکومت نظامی در جهت تضعیف نهضت و حرکت مردمی وارد تهران شده بود، در خیابان سپه با مقاومت سخت مردم مواجه شد.

سپهبد رحیمی، فرماندار نظامی تهران و حومه، طی دستورالعملی از تمامی یگان های تابعه خواست تا بدون درنگ تمامی رهبران نهضت را دستگیر و با هواپیما به یکی از جزایر منتقل کنند. لیست الصاقی این دستورالعمل شامل اسامی صدها نفر از جمله امام خمینی (ره)، آیت الله طالقانی و مهندس بازرگان بود. جلسه شورای امنیت متشکل از بالاترین مقامات ارتش و نظامی ساعت ۱۸ برای بررسی اوضاع کشور برگزار شد.

در نیمه های شب ۲۱ بهمن، به محل اسلحه سازی حمله شد.

تیترا اصلی روزنامه اطلاعات در ۲۱ بهمن ماه چنین بود: «نبرد های خونین میان واحد های مسلح در تهران و روزنامه کیهان «جنگ خونین لشکر گارد با نیروی هوایی» را تیترا زد.

راضیه سادات قریشی



پر کرده بودند به طرف نیروی هوایی در حرکت بودند. فرماندار نظامی تهران ساعات حکومت نظامی را از ۱۶:۳۰ تا ساعت ۵ صبح افزایش داد ولی با تشدید درگیری ها در همین روز ساعت منع عبور و مرور تا ساعت ۱۲ ظهر روز ۲۲ بهمن افزایش یافت.

امام خمینی (ره) حکومت نظامی را ملغی اعلام کردند و گفتند: «اعلامیه امروز حکومت نظامی خدعه و خلاف شرع است و مردم به هیچ وجه به آن اعتنا نکنند... اخطار می کنم که اگر دست از این برادر کشی برندارند و لشکر گارد به محل خودش برنگردد... تصمیم آخر را به امید خدا می گیرم.» که ستاد امام خمینی (ره) با بلندگو لغو اعلامیه های فرمانداری نظامی (منع رفت و آمد) را در سطح شهر تهران اعلام کردند. بختیار در مجلس سنا اعلام کرد که حاضر به مذاکره است.

✓ درگیری نیروی هوایی و گارد شاهنشاهی که از شب گذشته (۲۰ بهمن) آغاز شده بود، با شدت بیشتری ادامه یافت که نویسنده روزنامه اطلاعات از این درگیری چنین یاد می کند: «در حدود ساعت ۸ صبح ۲۱ بهمن، درگیری میان نیروی هوایی و ارتش گارد به اوج خود رسید. کارکنان نیروی هوایی با حمایت مردم موفق به تصرف اسلحه خانه و توزیع حدود دو هزار تفنگ و مقادیر زیادی مهمات میان مردم شدند. درگیری میان طرفین تا ساعت ۴ بعد از ظهر ادامه یافت تا آنکه در این ساعت به جهت انجام مذاکره، آرامش نسبی برقرار گردید. در این زمان سپهبد آذر برزین جانشین ربیعی و سرلشکر روحانی از درب جنوبی وارد پادگان شدند و افرا نیروی هوایی را دعوت به خلع سلاح و بازگشت به پادگان ها نمودند اما مذاکرات دو ساعته طرفین به جایی نرسید لذا سپهبد برزین و سرلشکر روحانی آنجا را ترک نمودند.

در نخستین ساعات بامداد ۲۱ بهمن ماه اولین سلاح ها توسط سربازی که گزارشی از درگیری داخلی داخل پادگان داده بود خارج شد و در اختیار مردم قرار گرفت. همچنین مردم چند تانک و زره پوش را که عازم فرح آباد برای جنگ با نیروی هوایی بودند، از کار انداختند. صد ها اتومبیل شخصی در حالی که تمام صندلی های جلو و عقب خود را از ملافه های سفید و دارو و غذا